



۷۱۵

تسلیمه نسرین (برگردان : شهرام قنبری): برای منوچهر کریم زاده

خالد

xalvat.com

در این غبار و آشوب (بهروز امدادی اصل) - رمان، فضای تفاهم و همدردی (غزاله علیزاده) - «قول مون» (ناصر پاکدامن) - خطابه در کنگره جهانی انجمن بین المللی قلم (واتسلاو هاول) - برای منوچهر کریم زاده (تسلیمه نسرین) - «مثنی ۶۳۴» نویسنده - ۲۷ طرح در همبستگی با منوچهر کریم زاده - حکومت اسلامی؛ ضرورت یا تضاد؟ (محسن یافائی) - کشتار در تایلند ۶۷ (م. رضا، ف. آزاد، تیما پرورش) - بنای یادبود (نسیم خاکسار) - سنگ صبور (داریوش کارگر) - آینده هولناک است (مهندس مهدی بازرگان) - شعرهایی از رضا پراهنی، اسماعیل خونی، سعید یوسف - کتابهای تازه (شیدا نبوی).

۱۴ زمستان ۱۳۷۳

چشم‌انداز

۶	بهر روز امدادی اصل	در این غبار و آشوب
۱۶	ناصر پاکدامن واتسلار و هاول	«فول مون» خطابه در کنفرانس جهانی انجمن بین‌المللی قلم
۳۶	ترجمه احمد ابراهیمی	
۴۰		«متن ۱۳۴» نویسنده برای منوچهر کریم‌زاده
۴۳	تسلیمه نسرین ترجمه شهرام قنبری	
۵۴		کشتار در تابستان ۶۷ (پنج گزارش)
۷۵	محسن یلفانی	حکومت اسلامی؛ ضرورت یا تضاد؟
۸۶	رضا براهنی	تابستان تصویر
۸۸	اسماعیل خوئی	چه حسن گم‌شدنی
۹۱	سعید یوسف	فردا
۹۳	غزاله علیزاده	رمان، فضای تفاهم و همدردی
۹۹	داریوش کارگر	سنگ صبور
۱۲۲	نسیم خاکسار	بنای یادبود
	مهندس مهدی بازرگان	آینده هولناک است (مصاحبه)
۱۲۷	ترجمه فرهاد مرندی‌نیا	
۱۳۲	شیدا نبوی	کتابهای تازه

صفحه‌آرایی از تیرداد کوهی، طرحهای سعیدی سیرجانی و تسلیمه نسرین از امان



xalvat.com

تسلیمه نسرین

برای منوچهر کریم زاده

هم اکنون بیش از ۶۴۵ روزنامه‌نگار در اینجا و آنجا جهان در اسارت حکومتها هستند. در نتیجه کوششهای سازمان فرانسوی «خبرنگاران بی‌مرز» (Reporters sans frontières)، از ۱۹۸۹ تاکنون نزدیک به ۵۰ تن روزنامه‌نگار، آزادی خود را بازیافته‌اند.

روز پنجشنبه بیستم اکتبر ۹۴، به مناسبت روز «روزنامه‌نگاران زندانی»، به دعوت سازمان خبرنگاران بی‌مرز، برخی از نامدارترین طراحان فرانسوی (۱)، به نشانه همستگی با همکار ایرانی خود، منوچهر کریم‌زاده (۲) و برای بزرگداشت او و اعتراض به محکومیت و زندانی شدنش در ایران، گرد آمدند و در همانجا طرحهایی را که پیرامون آزادی مطبوعات و برای بزرگداشت کریم‌زاده کشیدند به او پیشکش کردند. مجموعه این طرحها همراه با گفتاری از تسلیمه نسرین، نویسنده بنگلادشی که همچون سلمان رشدی، به خاطر کتابش، از طرف نهادگرایان بنگلادشی محکوم به مرگ شده است، در دفتری به همت خبرنگاران بی‌مرز انتشار یافته است.

همصدا با این اعتراض و با سپاسگزاری از سازمان خبرنگاران بی‌مرز که طرحها را در اختیار چشم‌انداز گذاشت این طرحها همراه با دیباچه تسلیمه نسرین در این صفحات به چاپ می‌رسد.

گناه طراح ایرانی، منوچهر کریم‌زاده، این است که طرح ورزشکاری را کشیده است با یک دست و یک پای به ظاهر بریده و توپ فوتبالی پیش پایش بر زمین. طرح به مناسبت مقاله‌ای کشیده شده بود در باره وضع اسفبار فوتبال در ایران. بلافاصله



پس از انتشار مقاله، گرداندگان مجله به باد حمله گرفته شدند. منوچهر کریم‌زاده و ناصر عربها سردبیر مجله دستگیر و در دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه شدند. دادگاه، رأی به محکومیت کریم‌زاده داد: یک سال زندان، پنجاه ضربه شلاق و ۵۰ هزار ریال جریمه نقدی (۲). محکومیتی که به نظر دادستانی عالی انقلاب ناکافی می‌رسد و کریم‌زاده را دوباره به محاکمه می‌کشاند و این بار او را برای ده سال به پشت میله‌ها می‌فرستد. طبق معمول پیش از دادگاه، خلق‌الله تظاهرات می‌کنند و خواهان صدور حکم مرگ سردبیر و طراح «تیپکار» می‌شوند. از آن پس، منوچهر کریم‌زاده در دغمه‌ای در ایران در حال پوسیدن است. هرچند هنوز به زندگی ادامه می‌دهد، اما کسی نمی‌داند چه بر سر او خواهد آمد. و همه اینها، همین امروز، در پایان سده بیستم، پیش چشم ما روی می‌دهند. نه در سالهای تیره جهانی به اصطلاح قرون وسطایی. هرچا که کفیری ضد کفرگونی وجود دارد، آزاداندیشان و آفرینندگان، قربانیان آندند. و آنجا که چنین قانونی وجود ندارد، اتهامها صورت دیگری می‌گیرد و آدمی به دلیل «جریحه‌دار کردن احساسات مذهبی دیگران» یا «ضدیت با شرع انور اقدس و آباء و اجدادی» محکوم می‌شود. طی دوره کوتاه نویسنده‌گی‌ام، این همه، می‌بایست بر سر من نیز می‌مد. منتهی به میزان کمتری. می‌بایست همین فریادها را می‌شنیدم و همین دشنام‌ها را تحمل می‌کردم. مرا هم به جایگاه متهمان نشانند. نه به گناه «توهین به مقدسات». بلکه برطبق یک ماده قانونی قدیمی در

حقوق مدنی، به دلیل خدشه‌دار کردن احساسات مؤمنان، در حقیقت، کار دادگاه من همچنان دنباله دارد. فقط حکم محکومیت مرا به حالت تعلیق در آورده‌اند تا بتوانم به خارج سفری کنم و نفسی بکشم.

xalvat.com

من به راستی از کیفر هولناکی که اکنون منوچهر کریم‌زاده تحمل می‌کند، در حیرت و ناباوری‌ام. دانستن این که یک جان آزاد، در بند است، فقط به سبب آنکه عقیده‌ای را ابراز کرده است، مرا اندوهگین می‌کند. بی‌تردید این امر دو چندان نگران‌کننده است وقتی که این همه در آستانه سده بیست و یکم می‌گذرد.

همه می‌دانیم که کاریکاتور یک شیوه بیان بیش و کم قدیمی است که می‌تواند به هشت کلام یا تصویر درآید. چه بسا که عمر طنز شفاهی و تصویری به قدمت جامعه بشری باشد. خاکبان و افتادگان و فروتنان همواره زر و زورمندان و بدکاران را دست انداخته‌اند. در قلب شبه قاره هند، ادبیات و ترانه و امثال و حکم از ریشخند و تسخر، از کلام و ادا و تقلید طنزآلود مایه می‌گیرد. حتی در عرصه هنر، در پیکرتراشی و نقاشی اعصار باستان، می‌توان نمونه‌هایی از این دست یافت. در بنگال پاسداران این میراث، بویژه نقاشان مردمی بودند از میان «پاتوا»ها و در کلکته مکتب ویژه‌ای را پایه‌گذاری کردند به نام کلیقت (۴) که شریعتمداران و هنردوستان نوکیسه شهر را به باد استهزاء می‌گرفت. بعدها، با پیدائی چاپخانه، روزنامه‌ها، کاریکاتورهای سیاسی و اجتماعی را به خدمت گرفتند. در این طرحها و شرحهای مربوط به آنها که سرشار از طنز و گیرائی است، مقامات استعماری و کارگزارانشان مورد انتقاد قرار می‌گرفتند. این سنت هنوز هم وجود دارد. حتی در بنگلادش، روزنامه‌ها و مجله‌ها پیاپی با سرمقاله‌هایی همراه با طرح در می‌آیند. تا امروز، من هنوز به موردی برخورد کرده‌ام که کسی به سبب چاپ یا کشیدن یک کاریکاتور یا طرح مورد تعقیب قرار گرفته باشد. به یاد همه رهبرانی هستم که همچون زنده یاد جواهر لعل نهرو، رئیس جمهور هند، با شوخیها و انتقادهای گزنده طراحان نامدار با چه ظرافت و خوشرویی برخورد می‌کردند. دریغ که اوضاع جهان، همه جا بر یک روال نیست. وگرنه، منوچهر کریم‌زاده بر اثر یک طرح ساده در زندان نمی‌بود. آزاد می‌بود.

بزرگترین طراحان فرانسوی، به یاری تنها سلاحی که دارند یعنی قلم و قلم‌مو، بر آن شده‌اند که برادری و همبستگی خود را نسبت به یکی از یاران در بندشان در سرزمینی دیگر، نشان دهند. اینان پیشینه‌ای دیرین در نبرد با شر دارند. به یاد کاریکاتور معروف شارل فیلیپون (۵) می‌افتم به نام «گلایبها» که از پادشاه فرانسه لوئی فیلیپ کشیده بود. چه پیروزی شگفتی! همچنین به طرحهایی فکر می‌کنم که جزئی از زرادخانه انقلاب فرانسه بودند و حالا بیش از دویست سال از عمرشان می‌گذرد. بسیاری از این کاریکاتورها، به مناسبت دویستمین سالگرد انقلاب فرانسه، در روزنامه‌های گوناگون تجدید چاپ شدند. فیلیپون بخاطر گلایبها مجبور به پرداخت ۶۰۰۰ فرانک جریمه نقدی شد و مکلف شد که حکم محکومیت‌اش را در نخستین صفحه روزنامه‌اش به چاپ بسپارد. همین کار را هم کرد، منتهی باز هم به شکل

کلابی... این طراحان برآستی اصلاح ناپذیرند! ^۱ *بالعینه* اینک هر چه در آن روزگار
امروز، طراحان فرانسوی قلم برگرفته‌اند تا به اینگونه تجاوزه‌ها پاسخ گویند. اینک
کرد آمده‌اند تا با هر وسیله‌ای که در اختیار دارند به دفاع از یکی از یاران و
همکاران خود برخیزند: با روح‌شان، با طنزشان و با نیشخند و خشم‌شان. و
نشانه‌گیری دقیق قلم آنها بر هر سلاح آتشی چیره خواهد شد ■

ترجمه شهرام قنبری

xalvat.com

I- Bernar, Brito, Cabu, Cambon, Charb, Chenez, Deligne, Dobritz, Faizant, Gébé,
Hours, Jiho, Jordi, Kerleraux, Lécroart, Loup, Luz, Pancho, Plantu, Pessin, Piem,
Riss, Sanson, Siné, Tignous, Trez, Wiaz, Willem, Wolinski.

۲- منوچهر کریم‌زاده، طراح مجله فاراد، به دنبال جلسه فوق‌العاده هیئت نظارت بر مطبوعات، ۸
فروردین ۷۶، که تصمیم به توقیف مجله فاراد و گرداندگان آن گرفت، دستگیر و زندانی شد.
گروهی از امت حزب‌الله به نام «شاگردان مدرسه شهادت»، به اشاره مقامات وزارت ارشاد، در
تهران و قم تظاهرات کردند و خواهان اعدام او شدند، چرا که میان طرح منوچهر کریم‌زاده و چهره
آیت‌الله خمینی تشابهاتی می‌دیدند. و به جرم این «تشابهات» بود که منوچهر کریم‌زاده محکوم
گردید. این رویداد حیرت‌انگیز در زمان وقوع، در مطبوعات فارسی زبان خارج کشور انعکاس
گسترده‌ای یافت. کتابها و گزارشهایی که به زبانهای مختلف در بازه سانسور و آزادی بیان در ایران
امروز انتشار یافته است نیز هرکدام صفحاتی را به این طرح و محکومیت طراح آن اختصاص
داده‌اند. از جمله نگاه کنید به بولتن آغازی تو، شماره ۲۰، بهار ۱۳۷۱، و سازمان «میدل ایست
واچ»، شعبه نظارت بر حقوق بشر، نیویورک، زندانیان اندیشه: محدودیتهای آزادی بیان در
ایران، ترجمه فارسی، سوئد، کانون فرهنگی-سیاسی ایرانیان در سوئد، بهار ۷۳، ص ۷۷-۸۱.

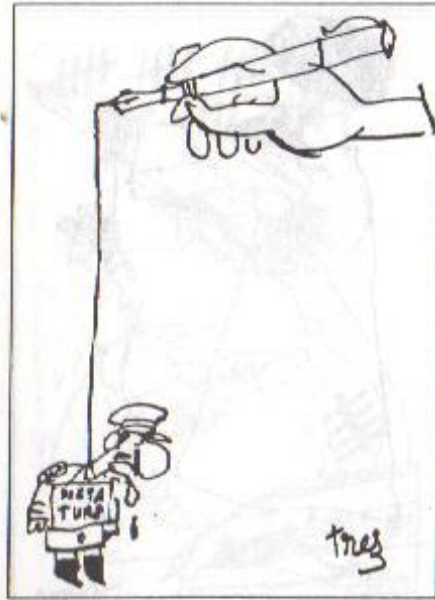
۳- حریبه نقدی در اصل پنجاه هزار تومان بوده است. م. - کلیت (Kalighat) مکتبی در
نقاشی هند که در سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۹۳۰ پدید آمد. نقاشان این مکتب هنرهای بنکالی بودند از
قوم پاتوا (Patua) که در روستاهای منطقه کلیت زندگی می‌کردند و نقاشیهای خود را نخست به
دائران معبد کالی (Kali)؛ در آن نزدیکی عرضه می‌کردند. از ویژگیهای این مکتب، رنگهای زنده و
تند و حرکتیهای آزاد و جسورانه قلم مو و کاربرد آبرنگ است و از این جهت نزدیکیهایی با نقاشی
ژاپنی و کوبیسم و هنر مدرن به ویژه با کارهای فرنان لژه (Fernand Legér) دارد. مضمونهای
برده‌های نقاشان کلیت از مایه‌ها و موضوعهای عصر نیموریان هند که از اوایل قرن شانزدهم در
هند باب شده بود فاصله می‌گیرد و به زندگی مردم و طبیعت و حیوانات نزدیک می‌شود. طنز در
آثار این نقاشان جایگاه ویژه‌ای دارد. - م. نگاه کنید به:

W.G Acher: Kalighat paintings, London, Victoria & Albert Museum, 1971.

۵- Charles Philipon (۱۸۱۲-۱۸۰۶)، طراح و روزنامه‌نگار فرانسوی، بنیادگذار نشریه
کاریکاتور، پس از انقلاب ژوئیه ۱۸۳۰، در نشریه‌اش به سیاستمداران روز می‌تاخت و
در نخستین سال انتشار آن ۵۴ بار محاکمه شد. در اول نوامبر ۱۸۳۲ نشریه شاریواری
(Charivari) را به راه انداخت (و برخی از بزرگترین طراحان فرانسوی مثل رافه (Raffet)،
دومیه (Daumier)، مونیه (Monnier) و دیگران در این نشریه پا او همکاری کردند. -

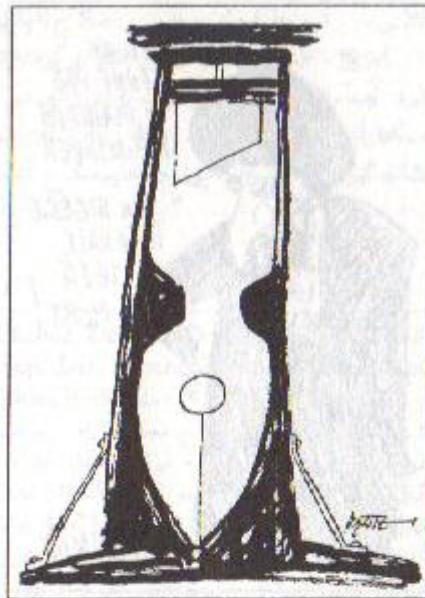
م. نگاه کنید به:

Marcus Osterwalder: Dictionnaire des illustrateurs (1800-1914), Paris, Hubschmid &
Bouret, 1983.



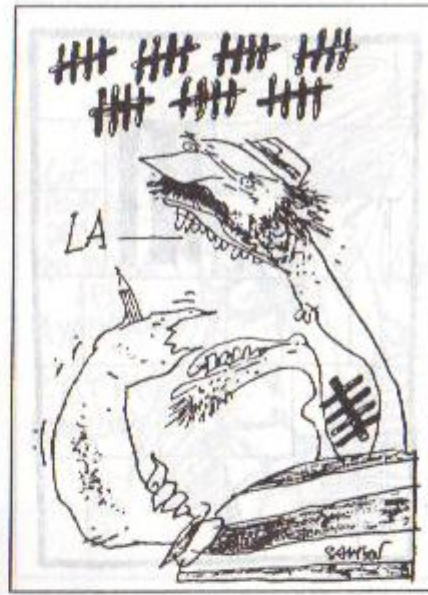
xalvat.com





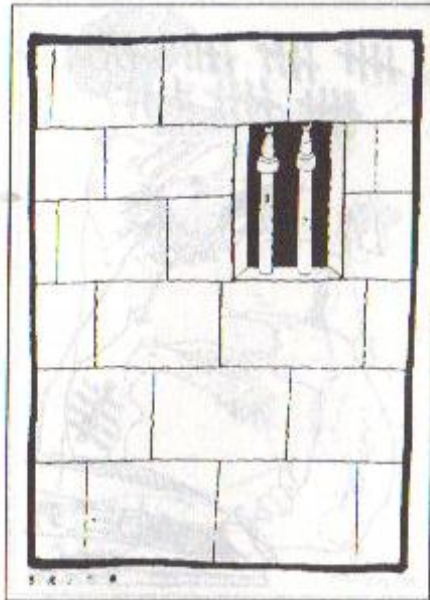
xalvat.com





xalvat.com



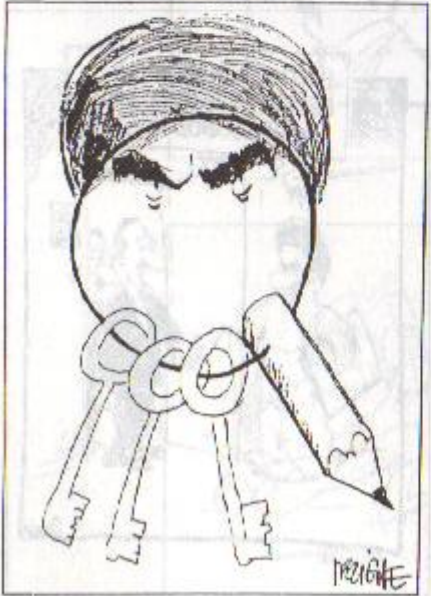


xalvat.com





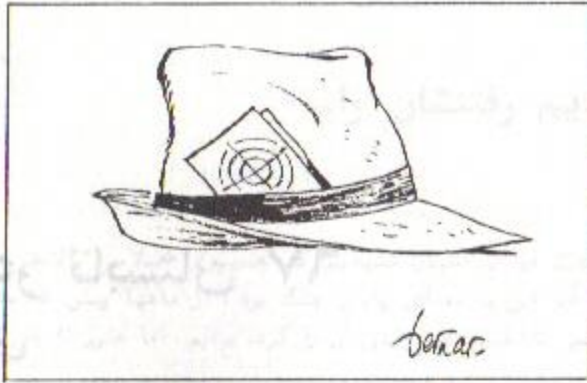
xalvat.com





xalvat.com





xalvat.com

